



روابط ژئوپولیتیک، سیاسی، تاریخی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کردستان امروزی عراق

ایمان انوری پور^۱

چکیده:

بی تردید، موقعیت ژئوپولیتیک، سیاسی، تاریخی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کردستان امروزی عراق در باب مناسبات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و . . . در بستر تاریخ در هم تنیده شده است؛ به گونه ای که امتزاج میان این حوزه ها را می توان در عصر جدید مشاهده کرد. یکی از مناطقی که از تأثیرگذاری و اهمیت بالایی در عراق جدید برخوردار است، منطقه خودمختار کردستان محسوب که در پرتو واقعیت های ژئوپولیتیک، بررسی فرصت ها و چالش هایی را که پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است، ضروری نموده است. پژوهش حاضر، روابط ژئوپولیتیک، سیاسی، تاریخی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کردستان امروزی عراق را عنوان می کند که روابط میان ایران و اقلیم کردستان عراق می تواند در حوزه های موضوعی فرهنگ، توریسم و امنیت منطقه ای، فعالیت اقتصادی و مسأله انرژی، فرصت ها و چالش هایی را برای ج. ا. ایران زمینه سازی نماید. پژوهش حاضر به روش کیفی و با رویکرد توصیفی و تحلیلی است. نتایج تحقیق مؤید این واقعیت است که روابط ژئوپولیتیک، سیاسی، تاریخی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کردستان امروزی عراق، می تواند در جهت تهدیدزدایی امنیتی و تأمین منافع دو طرف مؤثر واقع شود.

کلمات کلیدی: ژئوپولیتیک، سیاسی، تاریخی، فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران، کردستان عراق

۱- مقدمه و بیان مسئله:

روابط سیاسی، تاریخی و فرهنگی ایران با کشورهای همسایه در طول تاریخ این کشور از ارزش بالایی برخوردار بوده است با روی کار آمدن حکومت صفویه و شکل گیری دولت های ملی در ایران تا دوره معاصر رخدادهای مهمی در عرصه روابط خارجی ایران با همسایگانش به وجود آمده است یکی از مهم ترین مناطقی که جزئی از فرهنگ و تاریخچه جداناپذیری از ایران است و در این مدت رابطه ای تنگاتنگ در عرصه های سیاسی، فرهنگی، تاریخی، دینی،... با ایران داشته منطقه خودمختار کردستان عراق است. کردستان عراق (به کوردی: ههرت می کوردستان) و به لاتین Herêmi Kurdistan یک منطقه خودمختار در بخش شمالی کشور عراق است؛ که از شرق با ایران از شمال با ترکیه و از غرب با سوریه هم مرز است و مرکز آن اربیل است. در منطقه کردستان عراق علاوه بر کردها، اقلیت های آشوری، ترکمن، عرب، کلدانی، ارمنی و غیره نیز زندگی می کنند. این منطقه به مثابه جغرافیای محل سکونت کردهای ایرانی تبار همواره و از نخستین سپیده دمان تاریخ تا رویارویی صفویه با عثمانی ها درآوردگاه چالدران به سال ۹۲۰ ه ق بخشی از سرزمین تحت سلطه فرمانروایان و پادشاهان ایرانی بوده است و تحولات مهمی را از سر گذرانده است. به طوری که با شکل گیری حکومت متمرکز صفویه در ایران به دوره ای از فترت و هرج و مرج سیاسی ناشی از فقدان حکومت مقتدر مرکزی در کردستان عراق پایان داده شد.

^۱ کارشناسی ارشد، رشته ی جغرافیای سیاسی (M.Sc)، دانشگاه آزاد اسلامی، Iman.anvarypoor@gmail.com

در این میان امراء و سران کرد که بنا بر عادت و برحسب شرایط اقلیمی و طبیعی منطقه کردستان به صورت خودمختار و مستقل در مناطق مختلف کردستان به حکمروایی مشغول بودند، به آسانی حاضر به پذیرش نظم جدید و اطاعت از حکومت‌های تازه تأسیس در ایران نبودند. این مسئله خود سبب ایجاد درگیری‌هایی میان امراء و سران کرد با دربار و حکومت‌های مرکزی در ایران شد علاوه بر آن شرایط ژئوپولیتیکی و موقعیت جغرافیایی کردستان یعنی واقع شدن در حدفاصل میان دو دولت متخاصم ایران و عثمانی سبب شد تا کردستان از همان آغاز شکل‌گیری منازعات میان دولت‌های ایران و عثمانی‌ها به جولانگاه جنگ و مبارزه تبدیل شود که این مسئله خود از طرفی زمینه‌های ویرانی و تباهی اوضاع اقتصادی در کردستان را فراهم آورد و از طرفی دیگر سبب رکود اوضاع فرهنگی و گسست در مناسبات اجتماعی شد. شرایط جغرافیایی و جبر ژئوپولیتیک موجب گردیده بود تا امراء و حکام این امیرنشینان به حکم ضرورت و برای فراهم نمودن امکان بقاء و تداوم حکمرانی خویش در این منازعات گاه به سود ایران و گاه در جهت مصالح و خواست عثمانی‌ها اعلام موضع نمایند و این مسئله زیان‌های فراوانی بر پیکره جغرافیایی فرهنگی و تاریخی کردستان تحمیل و روابط و مناسبات درونی قبایل و امراء کرد را نیز تحت تأثیر قرارداد و کار به جایی رسید که امراء فرمانروایان کرد و قبایل تحت سلطه آنان گاه بجای دولت‌های متخاصم در مقابل هم صف‌آرایی نمودند با این شرایط روابط ایران با این نقطه صرفاً به مسائل سیاسی محدود نمی‌شود؛ زیرا کردستان بخشی از هویت تاریخی، دینی و فرهنگی ایران است، جمع کثیری از کردها امروزه در قلمرو ایران زندگی می‌کنند که از نظر دینی و نژادی با این منطقه پیوستگی دارند، بدین سان با توجه به اهمیت منطقه کردستان و ارتباطات فرهنگی، تاریخی، سیاسی و دینی که با کشور ایران دارد در پژوهش حاضر به بررسی روابط ژئوپولیتیک، سیاسی، تاریخی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کردستان امروزی عراق می‌پردازد.

۲- روش‌شناسی تحقیق:

موضوع پژوهش حاضر یک مسئله سیاسی است. در این گونه پژوهش‌ها شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است، بنابراین روش به کار گرفته شده روش توصیفی - تحلیلی بر مبنای کتب و تحقیقات پیشین مطالعه کتابخانه‌ای اسناد دایره‌المعارف‌های گوناگون علمی پیشینه روابط تاریخی و فرهنگی ایران و کردستان است؛ که مرحله نخست آن جمع‌آوری اطلاعات داده‌ها، فیش‌برداری مطالب، مرحله‌ی بعدی نقد و بررسی مطالب و مرحله‌ی پایانی تجزیه و تحلیل و تدوین مطالب به صورت متنی منسجم هست.

۲-۱- ادبیات و سوابق تحقیق:

در رابطه با روابط ایران با منطقه خودمختار کردستان عراق در طول چهارصد سال گذشته (از زمان شکل‌گیری صفویه تا دوره معاصر) در حوزه علوم سیاسی تحقیق و پژوهش علمی جدی صورت نگرفته است هرچند در حوزه تاریخی چند کار کوچک صورت گرفته و به بررسی برخی از تحولات خاندان‌های که بر که بر این منطقه حکومت می‌کردند تا حدی کوتاه توجه شده این درحالی که منابع مفید ولی اندک در این مورد به خصوص در ارتباط با خاندان‌های که در کردستان به قدرت رسیدند وجود دارد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان نوشته میرزا شکر اله سنندجی، تاریخ اردلان نوشته مستوره اردلان و سیر الاکراد در تاریخ کردستان اثر عبدالقادر بن رستم بابانی اشاره کرد که این منابع به صورت روایی سرگذشت این منطقه را نقل و درباره آن‌ها بحث کرده‌اند. از تحقیقات جدید که به برخی از زوایای منطقه کردستان پرداخته می‌توان کتابی با عنوان تاریخ فرهنگ و ادب مکریان از ابراهیم افخمی اشاره کرد که در آن مطالبی و اطلاعاتی به صورت عمومی گردآوری شده است البته این اثر به شیوه تحلیلی و علمی ارائه نشده است بعضی از محققان نیز به شاخه‌ای از عناصر فرهنگی توجه کرده‌اند از جمله آنان می‌توان به تاریخ تصوف در کردستان تألیف محمد رفوف توکلی اشاره کرد که طریقه‌های مهم مذهب تصوف را از ابتدای شکل‌گیری تا عصر حاضر مورد توجه قرار داده است در حوزه سیاسی روابط ایران و کردستان می‌توان به آثاری چون: خاندان کرد اردلان در تالاقی امپراتوری‌های ایران و عثمانی تألیف شیرین اردلان همچنین چندین رساله با موضوعات ذیل اشاره کرد: رساله "اوضاع سیاسی کردستان در دوره صفویه اثر خانم لیلی صالحی بارهنمایی دکتر مقصود علی صادقی بیشتر به بررسی اوضاع سیاسی اجتماعی کردستان در دوره صفویه در این قسمت به معرفی و

بررسی مهم‌ترین منابعی که در این رساله مورد استفاده قرار گرفته‌اند پرداخته می‌شود که مهم‌ترین کتب تاریخی، سفرنامه‌ها و مشاهدات، خاطرات و تحقیقات موجود در این برهه زمانی می‌باشند و نقش والیان اردلان در مناقشات بین ایران و عثمانی را مورد توجه قرار داده است.

رساله دیگر به‌عنوان بررسی امیرنشین اردلان در کردستان در عهد قاجاریه توسط جمال زهره با راهنمایی عطاالله حسنی در سال ۸۳ در دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است که بیشتر به بررسی ظهور خاندان اردلان و دست یافتن آن‌ها به قدرت و رابطه آن‌ها با حکومت مرکزی در دوره قاجاریه و چگونگی مشارکت این خاندان و نقش حکومت اردلان در منازعات میان دولت‌های ایران و عثمانی و زمینه‌های سقوط آنان را مورد بررسی قرار داده است. بیشترین توجه نگارنده این رساله به دوره قاجاریه از سال ۱۱۶۰ ه.ق تا سال ۱۰۴۶ ه.ق هست. رساله دیگر بررسی وضعیت خاندان اردلان توسط کیهان مشیر پناه در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر با راهنمایی دکتر وهاب ولی هست که دفاع شده است ایشان دوره حکمرانی این خاندان را از انتخاب شهر سنندج به پایتختی تا عهد نادرشاه را مورد بررسی قرار داده است.

در حوزه مقاله نیز چندین مقاله کار شده است که به صورت کوتاه به برخی از جنبه‌های روابط تاریخی، سیاسی ایران و کردها در دوره زمانی خاصی اشاراتی شده که به معرفی چند مورد می‌پردازیم: مقاله بازنشاسی جایگاه مذهب در روابط اهل سنت کردستان و حکومت صفوی نوشته مجتبی سلطانی احمدی است نویسنده بیشتر به سیاست مذهبی امرای سنی این منطقه پرداخته و درنهایت به برخی از جنبه‌های آنان از امپراتوری عثمانی در طی برخی از جنگ‌های ایران با این دولت اشاراتی کرده است.

مقاله: پژوهشی در حوزه فرهنگی و تمدنی ایران نمونه موردی کردستان عراق توسط آقای بهرام نصر الهی زاده کار بسیار خوبی در حوزه شناخت سنت‌ها، آداب و رسوم، فرهنگ‌ها و باورها و اعتقادات مردم کردستان است هرچند این نویسنده نیز به تأثیرات روابط فرهنگی ایران با این منطقه توجهی ندارد. کارهای دیگری چون: شورش هورامان در عصر ناصرالدین‌شاه قاجار از مظهر ادواری و هادی و کیلی، روابط کردها با دولتین صفوی و عثمانی از شاه اسماعیل اول از سید حسن قریشی کرین / آرش قنبری پایان پادشاهی شاه‌عباس اول، مردم‌شناسی و باستان‌شناسی نمادهای نوسنگی در کردستان از دینا رستمی نژاد ... به دین ترتیب موضوع حاضر از دیدگاه علوم سیاسی تا اکنون مورد نقد و بررسی محققین قرار نگرفته است و به ریشه‌های فرهنگی و تاریخی در روابط ایران و کردستان عراق چندین توجهی نشده است؛ اما در تحقیقی که پیش رو است محقق سعی کرده با حالت علمی و تحلیلی به بیان مسائل بپردازد و درواقع سعی شده که به پیشینه دقیق روابط ایران و کردستان عراق را از زمان شکل‌گیری صفویه تا دوره معاصر مورد بحث و بررسی قرار دهد به بیان‌دیگر هدف از این کار بررسی حوادث تاریخی و سیاسی است که منجر به تحولات فرهنگی شده و یا عناصر فرهنگی که باعث تحولات سیاسی و اجتماعی در روابط ایران و کردستان عراق شده است.

۳- کردستان عراق

کردستان عراق، منطقه‌ای کوهستانی با مساحتی حدود ۷۴۰۰۰ کیلومترمربع نزدیک پنج میلیون دویست هزار نفر از جمعیت این کشور را در خود جای‌داده و شامل استان‌های دهوک، اربیل، سلمانیه، کرکوک، دیاله و نینوا است و در کل ۱۷ درصد وسعت عراق هست. از این میان وسعت ناحیه کردستان ۴۰/۶۴۳ کیلومترمربع و با جمعیتی نزدیک به ۴ میلیون نفر به‌پایتختی اربیل (هولر) است که شامل سه فرمانداری دهوک، اربیل و سلمانیه می‌شود؛ و بقیه جمعیت آن در مناطق کرکوک، دیاله و نینوا زندگی می‌کنند (زمانی، ۲۱-۲۰).

این بخش از عراق در شمال با نواحی کردنشین ترکیه در خاور نیز با نواحی کردنشین ایران، همسایه است که در مقایسه با دیگر نواحی کردنشین، موقعیتی کمابیش میانی و مرکزی داشته و در حکم حلقه‌ی پیوند میان کردستان ترکیه در شمال، کردستان ایران در خاور و کردستان سوریه در باختر است. کردستان عراق به‌واسطه ناهمگونی‌های زبانی، مذهبی (شافعی)، تاریخی و فرهنگی با اکثریت عرب کشور همواره یکی از نواحی دچار واگرایی بوده است. دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در کارهای کردستان و نوع رویکرد حکومت‌های بغداد به این ناحیه که بیشتر با محرومیت و سرکوب همراه بوده در فزاینده‌گی دامنه نیروهای واگرا، پیامد جغرافیایی سیاسی عمیقی به دنبال داشته است (همان: ۲۲). در کردستان عراق برای تشکیل حکومت مستقل داخلی، تلاش فراوان صورت گرفته است. شکل‌گیری این حکومت در منطقه به‌نوبه خود یک پدیده جدید در صحنه سیاسی خاورمیانه است.

خودمختاری در کردستان عراق در واقع از دهه ۱۹۷۰ میلادی بانام اقلیم خودمختار کردستان به دنبال توافق پیمان خودمختاری میان حکومت عراق و رهبران کرد عراقی برقرار و شورای قانون گذاری در شهر اربیل بااعتبار اسمی در مناطق کردنشین اربیل، دهوک و نیز در سلیمانیه تأسیس شده بود. درگیری های نظامی متعدد میان کردهای خواهان خودمختاری و نیروهای حکومت عراق تا زمان خیزش ۱۹۹۱ در عراق تداوم یافت و مسئله تأمین امنیت پناهجویان کرد منجر به صدور قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد شد که سبب توجیه انجام عملیات تأمین آسایش به منظور تأمین امنیت اقلیم کردستان عراق در جریان حملات نیروی هوایی می شد و همزمان کمک رسانی به پناهجویان کرد نیز که از آزار و اذیت فرار کرده بودند انجام می شد. منطقه پرواز ممنوع دهوک و اربیل را پوشش می داد، اما سلیمانیه و کرکوک را شامل نمی شد این مسئله زمینه ساز بروز زنجیره درگیری های خونین بعدی میان نیروهای عراقی و نیروهای کرد شد. اندک زمانی پس از آن، توازن قوا به دشواری برقرار شد و عراق نیروهای نظامی و کارمندان حکومتی خود را در اکتبر ۱۹۹۱ از منطقه خارج ساخت. از آن زمان به بعد کردستان عراق تحت رهبری دو حزب کرد عمده، حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی کردستان، خارج از کنترل بغداد به یک منطقه مستقل دوفاکتو تبدیل شد. اقلیم کردستان عراق از آن زمان پرچم و سرود ملی ویژه خود را برگزید (محمدیان و ترابیان، ۱۳۸۶: ۹۳-۹۲).

۴- قلمروسازی کردستان عراق

اقلیم کردستان در ساختار جدید عراق همواره در راستای قلمرو سازی در مناطق کردنشین خارج از قلمرو خود اقدام کرده است و خواستار پیوستن آن مناطق به اقلیم کردستان بوده است. مناطق مورد مناقشه حکومت مرکزی و اقلیم کردستان استان نفت خیز کرکوک و همچنین قسمت هایی از استان صلاح الدین، موصل و دیاله است که با توجه به ثروت های زیرزمینی و منابع سرشار نفت موجود در استان های کرکوک همواره کرکوک از اهمیت بیشتری برای اقلیم کردستان برخوردار بوده است. استان کرکوک را می توان یک عراق کوچک نامید، شهر و استانی که در دل خود گروه های مختلف جمعیتی اعم از کرد، عرب سنی و شیعه، ترکمن و ... را جای داده است استانی که با توجه به ذخایر قابل توجه نفتی اش از دیرباز تاکنون یکی از مهم ترین ارکان درآمدی عراق به شمار می آید و همچنین با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی اش در عمق خاک عراق، دارای اهمیتی بسیار مهم از نظر جغرافیایی و امنیتی است. همین مسئله باعث شده است تا از دهه ۱۹۶۰ م بدین سو دولت مردان عراق که همواره با کردها در تضاد هویتی، کشمکش سیاسی و گاه جنگ بودند و همان طور که در جدول زیر مشاهده می کنید به سمت ترسیم و عملیاتی کردن سیاست های مهندسی جمعیتی، جهت کاستن از جمعیت کردها تحت عناوین مختلف سوق داده می شود و حتی اقدام به تغییر مرزها و حدود این استان در زمان صدام حسین بکنند. بدین معنی که شهرستان های عرب نشین را که در شرق کرکوک قرار داشتند به کرکوک ملحق کرده و برخی از شهرستان های کردنشین آن را به استان های صلاح الدین و دیاله اضافه کردند تا از طریق چنین روش هایی بتوانند داعیه کردها مبتنی بر کردستانی بودن کرکوک را زیر سؤال ببرند. بعد از سقوط رژیم بعث دوباره ترکیب جمعیتی استان کرکوک دچار تغییرات گسترده ای شده است اما به دلیل عدم سرشماری دقیق در این مناطق آماری قابل استنادی در دست نیست (زارعی و رنجبر: ۱۳۹۵: ۳۷).

جدول ۱. تغییر ترکیب جمعیتی کرکوک بین سال های ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۷

قومیت	۱۹۷۷	۱۹۵۷
کرد	۳۷/۵۳	۴۸/۳
عرب	۲۴/۴۱	۲۸/۲
ترکمن	۱۶/۳۱	۲۱/۴

(منبع: talabany, 1999:25)

طی سال های اخیر مسئله کرکوک برای کردها به مثابه یک رویایی شیرین و نزدیک اما هم چنان دست نیافتنی بوده است. بدین معنا که از فردای تحولات ۲۰۰۳ م و سقوط رژیم بعث آن ها تلاش نموده اند تا این استان نفت خیز و دارای اهمیت استراتژیک را به منطقه

خودمختار خود در شمال عراق ضمیمه کنند. پس از یک اقدام اولیه و ناموفق برای الحاق کرکوک به کردستان از طریق عملیات آزادسازی آن در زمان حمله آمریکا به عراق، آنان سعی نمودند از لحاظ قانونی و بدون درگیر نظامی زمینه‌ساز الحاق کرکوک به شمال کشور شوند. لذا آنان در حین نگارش قانون اساسی اولیه عراق ماده ۵۸ را جهت تعیین سرنوشت این استان و دیگر مناطق مورد ادعا وارد آن کردند، ماده قانونی که بعد از اصلاحات ۲۰۰۵ م به ماده ۱۴۰ قانون اساسی تغییر یافت؛ اما کوشش کردها و ارائه اسناد شواهد و استدلال‌های مبتنی بر هویت کردی این شهر و حتی پیروزی در انتخابات داخلی این استان و تعیین استاندار کرد و بر عهده گرفتن تأمین امنیت در بخش‌هایی از آن هم نتوانست آنان را به کرکوک برساند و هر بار کشور یا بازیگری مانع از دستیابی آنان به کرکوک شد. ابتدا آمریکایی‌ها به روشی مانع از الحاق شدند. تهدیدهای پیاپی ترکیه مبتنی بر هویت ترکمانی کرکوک و احتمال لشکرکشی به این منطقه باعث سرسخت‌تر شدن موضع آمریکایی‌ها در قبال خواسته کردها می‌شد تا پایان سال ۲۰۱۱ میلادی که آمریکایی‌ها هنوز در عراق دارای پایگاه نظامی و سیاسی توأمان بودند (احمدی پور، ۱۳۹: ۸۲-۸۰)

کردها بعد از سقوط رژیم بعث توانسته‌اند در مناطق مورد ادعای خود جمعیت اعراب را کاهش و کردها را به‌خصوص در مناطق کرکوک ساکن کنند. بعد از حمله داعش به عراق و شکست ارتش عراق در مناطق مورد مناقشه خلأ امنیتی موجود را سعی کردند پر کنند و مناطق مورد مناقشه را تحت تصرف خود درآورده که با بهبود وضع امنیتی عراق قلمرو خواهی کردستان تبدیل به یک چالش دیگر برای عراق و منطقه شده است که منجر به درگیری مستقیم نظامی شده است. قدرت‌های منطقه‌ای و دولت‌مردان عراقی الحاق کرکوک به کردستان را رسیدن به استقلال کردها و تهدیدی برای منطقه و عراق تفسیر می‌کنند. چون دستیابی به منابع انرژی کرکوک توسط اقلیم کردستان وزن ژئوپلیتیکی کردها را بالا برده و آینده سیاسی و امنیتی کشورهای کردنشین منطقه را تهدید می‌کند (پور سعیدی ۱۳۸۹: ۱۰۲-۱۰۱).

۵- ژئوپلیتیک:

اهمیت و تأثیری که ژئوپلیتیک در دنیای معاصر پیدا کرده و نقش منحصر به فردی که در تعیین سرنوشت و نظم جهانی به دست آورده است ضرورت توجه به توسعه و ترویج این علم را در بین جامعه نخبگان هر کشوری روشن می‌سازد. یکی از اقداماتی که به ترویج گفتمان ژئوپلیتیک در سطح جامعه کمک خواهد کرد تلاش در جهت دستیابی به تعریفی منطقی و جامع از این علم است. عده‌ای ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی را به نحوی مترادف یکدیگر می‌دانند و این دو واژه را باهم و به صورت عطفی به کار می‌برند. آن‌ها بر این باورند که: «جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دو مبحث علمی مکمل از یک موضوع علمی است و به مطالعه نقش‌آفرینی قدرت سیاسی در محیط جغرافیایی می‌پردازد.» این گروه بر اساس همین دیدگاه تفاوت چندانی بین کارکرد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک قائل نیستند و معتقدند: «ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی اثر محیط و اشکال یا پدیده‌های محیطی چون موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کیمیا، امکانات ارتباطی و انتقالی (زمینی، دریایی، هوایی و فضایی)، وسایل ارتباط جمعی و... را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، به‌ویژه در سطوح گسترده منطقه‌ای و جهانی مطالعه می‌کند.» این تعریف به‌نوعی تأثیر عوامل متعددی از جمله جغرافیا، اقتصاد، رسانه و... بر سیاست را موضوع ژئوپلیتیک می‌داند و قائل است در ژئوپلیتیک تأثیر عوامل مذکور بر سیاست به‌صورت یک‌طرفه مورد بررسی قرار می‌گیرد (مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۶۸).

برخی نیز پیرامون مفهوم و چیستی ژئوپلیتیک آورده‌اند: «سیاست‌های جغرافیایی یا ژئوپلیتیک، در حقیقت نتایج جغرافیایی یک سیاست است؛ به عبارت دیگر در ژئوپلیتیک که معنای لغوی آن سیاست زمین است نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست ملل بررسی می‌شود.» و یا آنکه «ژئوپلیتیک به بررسی تأثیر پدیده‌های جغرافیایی بر ساختارها و نهادهای سیاسی، حکومتی و غیر حکومتی و تحولات آن‌ها و خصوصیات روابط با دیگر دولت‌ها می‌پردازد.» در این دو تعریف رابطه بین عوامل جغرافیایی و سیاست مورد توجه قرار گرفته و تأکید شده است که ژئوپلیتیک به مطالعه تأثیر یک‌طرفه و طبیعی جغرافیا بر بخش‌ها و اجزای مختلف سیاست می‌پردازد. در تعریفی دیگر آمده است: «ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست» (میر دره، ۱۳۷۷: ۲۳۶).

به نظر می‌رسد آنچه در تبیین مفهوم ژئوپلیتیک در تمام تعاریف ذکر شده آمده است در حقیقت تعریف این علم نیست و بیشتر به کارکردهای عملی و جنبه‌های محدود نظری اشاره دارد. هرچند شاید بتوان گفت تعریف اخیر به نحوی علمی‌تر توانسته است هم به

جنبه‌های علمی و تئوری ژئوپولیتیک نظر داشته باشد و هم جنبه‌ها و ابعاد کاربردی ژئوپولیتیک را مورد توجه قرار دهد. این تعریف به‌روشنی، تأثیر تعیین‌کننده و مهم جغرافیا بر سیاست را که در تعاریف دیگر نیز آمده بود تبیین می‌کند؛ علاوه بر آن، سیاست را نیز عاملی تعیین‌کننده بر جغرافیا در سه حوزه فضا، محیط و انسان‌ها می‌داند؛ و در نهایت در این تعریف علاوه بر دو مؤلفه جغرافیا و سیاست، مؤلفه قدرت نیز ذکر شده و برای آن نقش تأثیرگذاری بر دو مؤلفه دیگر در نظر گرفته شده است. قدرت عامل مهمی در سیاست و روابط بین‌الملل محسوب می‌شود و اگر این قدرت دارای منشأ جغرافیایی باشد و بر جغرافیا نیز تأثیر بگذارد، در حقیقت مباحث ژئوپولیتیک شکل می‌گیرد.

به تعبیری دیگر در تعریف اخیر به مؤلفه‌های اصلی که در هر سه نوع ژئوپولیتیک سنتی، ژئوپولیتیک انتقادی و ژئوپولیتیک انسان‌گرا وجود دارد توجه شده است. حتی می‌توان ادعا کرد که این تعریف دربردارنده سیر تکاملی ژئوپولیتیک در بستر تاریخی آن است. در نهایت بنا بر دلایل ذکر شده به نظر می‌رسد این تعریف به‌عنوان تعریفی جامع‌تر نسبت به سایر تعاریف ارائه شده قابل‌پذیرش باشد. (همان: ۲۳۸).

۵-۱- ژئوپولیتیک کردستان عراق:

به دنبال شکست نیروهای عراقی از نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا پس از جنگ اول خلیج فارس در ۱۹۹۰، شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۶۸۸، درصدد ایجاد مناطق امنی در شمال و جنوب این کشور برای کمک به مردم آواره برآمد. منطقه امن کردستان عراق، سرزمین‌های واقع در شمال مدار ۳۶ درجه را شامل می‌شد که در پی آن استان‌های کردنشین سلیمانیه، اربیل و دهوک از نفوذ بغداد رهایی یافتند و کردها موفق شدند پس از برگزاری انتخابات پارلمانی به تاریخ ۱۹ مه ۱۹۹۱ میلادی یک دولت خودمختار منطقه‌ای با حضور اقلیت‌های آشوری و ترکمن در این مناطق تشکیل دهند. به این ترتیب جنگ دوم خلیج فارس و حمله آمریکا و متحدانش به عراق در مارس ۲۰۰۳ که منجر به سقوط صدام حسین و تحول سیاسی در عراق شد موقعیت کردها را نه تنها در شمال عراق بلکه در سطح دولت ملی بهبود بخشید، بلکه آن‌ها توانستند پست ریاست جمهوری و وزارتخانه‌های عمده دولت عراق را به دست‌گیرند و بر فرآیندهای سیاسی و شکل‌گیری نظام سیاسی جدید عراق تأثیر بگذارند. کردستان شمال عراق نیز در قالب ایالت فدرال و آن‌هم با اختیارات گسترده و رسمی به حیات خود ادامه داده و اصول ۱، ۴، ۱۱۳ و قانون اساسی عراق اختیارات قانونی لازم را به حکومت منطقه‌ای کردستان اعطا کرد. از لحاظ جغرافیایی کردستان عراق، بخشی از مناطق کردنشین غرب آسیا به شمار می‌رود که با وسعتی معادل ۷۵۰۰۰ کیلومترمربع از موقعیتی کم‌ویش میانی و مرکزی در بین مناطق کردنشین پیرامونی برخوردار است؛ به عبارتی دیگر کردستان عراق به‌عنوان حلقه پیوندی میان کردستان ایران با کردستان ترکیه و سوریه محسوب می‌شود. این بخش از کردستان، سرزمینی است غنی و کوهستانی که از سلسله کوه‌های زاگرس واقع در کردستان ایران به سوی کردستان‌های ترکیه کشیده شده است (مجموعه مقالات، ۱۳۹۵: ۸۳-۸۱).

کشور عراق در منطقه نفت‌خیز و استراتژیک خلیج فارس واقع شده است. ذخایر بزرگ نفت عراق در مناطق شمالی و جنوبی این کشور واقع شده است. در حال حاضر حدود ۱۰ درصد ذخایر نفتی جهان و ۲،۲ درصد ذخایر گاز جهان در کشور عراق قرار دارد. از این مقدار، در شرایط عادی حوزه‌های نفتی واقع در مناطق کردنشین حدود ۵۰ درصد کل تولید نفت عراق را به خود اختصاص می‌دهند. همچنین بیش از نیمی از منابع شناخته شده گاز عراق نیز در مناطق کردنشین قرار دارد. به عبارتی دیگر می‌توان گفت که حدود نیمی از ذخایر نفت و گاز عراق در کردستان عراق واقع شده است و از آنجا که کردستان عراق حدود ۱۷ درصد مساحت این کشور را شامل می‌شود در اختیار داشتن نیمی از ذخایر انرژی در مساحتی کمتر از یک‌پنجم کل کشور، جایگاه استراتژیک این منطقه را در عراق و منطقه خاورمیانه به وضوح نشان می‌دهد. هرچند آمار کاملاً دقیقی یافت نمی‌شود اما می‌توان با کمی خوش‌بینی ادعا کرد که کردستان عراق با ۷۴ هزار کیلومترمربع وسعت در حدود ۵ درصد کل ذخایر نفتی دنیا را در برمی‌گیرد. علاوه بر نفت، سنگ‌آهن، کروم، مس، بوکست، طلا، گوگرد، فولاد، سیمان و گچ نیز در کردستان عراق یافت می‌شوند. موقعیت اقتصادی و انرژی کردستان عراق برای کشورهای فرا منطقه به جهت فراهم آوردن منابع سوخت قابل اطمینان و بازاری برای فروش کالاهایشان دارای اهمیت هست. همچنین این منطقه می‌تواند بازاری مناسب برای کالاهای کشورهای همسایه عراق باشد. به‌عنوان مثال کشور ترکیه در مقایسه با دیگر کشورها به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای از این مزیت بهره برده است (۲۰۱۷- / <https://ardeshir58.persianblog.ir/>).

۶- موقعیت جغرافیایی اقلیم کردستان عراق:

اقلیم کردستان از لحاظ جغرافیایی بین ایران، عراق، سوریه و ترکیه محصور شده است و به عبارتی دیگر به دنیای خارج راه ندارد. کردستان عراق میان شش استان واقع شده که از این میان، حکومت اقلیم کردستان بر چهار استان اربیل، سلیمانیه، دهوک و به تازگی استان حلبچه از استان سلیمانیه جدا و مستقل شده است و نیز قسمت‌هایی از استان‌های نینوا و دیاله چیرگی دارد.



همچنین حکومت کردستان درخواست پیوستن استان کرکوک و بخش‌های بزرگ‌تری از استان‌های نینوا، دیاله و صلاح‌الدین را کرده است. اربیل نیز پس از بغداد، بصره و موصل چهارمین شهر بزرگ عراق است و مرکز منطقه کردستان عراق به شمار می‌رود. (نامی، ۱۳۹۱: ۶۴)

کردستان عراق منطقه‌ای کوهستانی است. کوه‌های منطقه کردستان عراق دارای ارتفاع متوسط حدود ۲۴۰۰ متر است. ارتفاع کوه‌های این اقلیم در نقاطی به سه هزار تا ۳۳۰۰ متر هم می‌رسد. تنها بخش‌های جنگلی اقلیم کردستان عراق در همین ارتفاعات بلند قرار گرفته‌اند. بلندترین قله در اقلیم ۳۶۱۱ متر بلندا دارد. نام این کوه که در مرز با ایران قرار دارد را چیچی در (به کردی: کئیچی ده) و گاه هَلگورد ذکر کرده‌اند. در برخی منابع معنی نام چیچی در «کوه بیرونی» و در دیگر منابع معنی آن «چادر سیاه» ذکر شده است. رودهای بسیاری از کوه‌های کردستان عراق سرچشمه گرفته و در این منطقه جریان دارند. رودهای زاب بزرگ و زاب کوچک از شرق به غرب در منطقه جریان دارند. رود دجله نیز که از ترکیه سرچشمه می‌گیرد با گذر از کردستان عراق وارد مناطق جنوبی‌تر عراق می‌شود. بزرگ‌ترین دریاچه کردستان عراق دریاچه دوکان نام دارد. دریاچه‌های کوچک‌تری چون دریاچه دهوک نیز در این منطقه وجود دارند. بخش‌های غربی و جنوبی کردستان عراق چندان کوهستانی نیست و زمین‌های آن بیشتر به صورت تپه‌ماهور و دشت است. این منطقه با این وجود نسبت به دیگر بخش‌های صاف عراق سرسبزتر است. ماه‌های تابستان یعنی از ژوئن تا سپتامبر بسیار گرم و خشک هستند. در ماه‌های ژوئیه و اوت، یعنی داغ‌ترین ماه‌ها، میانگین دما ۳۹ تا ۴۳ درجه است و در بسیاری روزها به ۵۰ درجه سانتی‌گراد هم نزدیک می‌شود. پاییزها خشک و ملایم است. میانگین دما در ماه اکتبر ۲۴-۲۹ درجه است و در نوامبر کمی خنک می‌شود. زمستان‌ها ملایم هستند، به جز در کوه‌های بلند. میانگین دماهای بالای زمستانی ۷ تا ۱۳ درجه سانتی‌گراد و میانگین دماهای پایین زمستانی ۲-۷ درجه سانتی‌گراد است (kurdistans geography, 2018).

کردهای عراق حدوداً ۱۷ درصد کل مساحت این کشور را در اختیار دارند. بر اساس ادعای حکومت منطقه‌ای کردستان از مجموع استان‌های عراق چهار استان کرکوک، اربیل، سلیمانیه و دهوک که کاملاً در خاک کردستان عراق واقع شده‌اند باید جزو مناطق تحت کنترل حکومت منطقه‌ای کردستان باشند، اما هنوز در خصوص الحاق کرکوک و برخی دیگر از اماکن منطقه گرمیان به منطقه کردستان چالش‌های زیادی وجود دارد. با این وجود بخش‌هایی از مناطق کردنشین خارج از چهار استان فوق‌تر قرار دارند، برای مثال استان نینوا شامل بخش‌های کردنشین عفره، شیخان، سنجاره، زمار است. استان دیاله بخش‌های کردنشین خانقین، مندلی، میران و قه ره قو را شامل می‌شود. (همان)

در ماده ۲ بند اول قانون اساسی عراق، در این رابطه چنین آمده است؛ کردستان عراق از استان دهوک، با مرزهای اداری قبل از ۱۹۶۸ م و استان‌های کرکوک، سلیمانیه و اربیل به همراه شهرهای شیخان، شنگاره، تلعفر، تکلیف، قه ره قوش و نواحی زماره، بایقه و آسکی کلک از استان نینوا و نیز شهرهای خانقین و مندلی از استان دیاله و شهرستان بدره و ناحیه جسان از استان واسط با مرزهای اداری سال ۱۹۶۸ تشکیل شده است. در بند دوم ماده ۲ در مورد تعیین مرزهای کردستان چنین آمده است که تعیین مرزهای اداری منطقه فدرال کردستان عراق بر اساس ماده ۱۴۰ قانون اساسی دائمی عراق هست. در ماده ۶ قانون اساسی کردستان عراق آمده است که کردستان عراق متشکل از ملت کرد و دیگر ملل همچون ترکمن، کلدانی، آشوری، ارمنی و عرب ساکن کردستان است. مساحت کردستان عراق حدود ۷۴ هزار کیلومترمربع هست که شامل استان کرکوک با مساحت ۱۹۵۴۳ کیلومترمربع، استان اربیل ۱۵۳۱۹ کیلومترمربع، استان سلیمانیه ۱۱۹۹۳ کیلومترمربع، استان نینوا ۱۱۰۰۰ کیلومترمربع و استان واسط ۸۹۵ کیلومترمربع می‌شود. از این ۷۴ هزار کیلومترمربع، تنها محدوده استان‌های اربیل، سلیمانیه و دهوک یعنی ۳۷۰۶۲ کیلومترمربع در قلمرو حکومت منطقه‌ای کردستان قرار دارد. (نامی، ۱۳۹۱: ۶۸)

هرچند در خصوص جمعیت کردها در عراق نمی‌توان به‌طور کاملاً دقیق سخن راند؛ اما می‌توان گفت که تقریباً ۲۸ درصد جمعیت کل عراق را کردها تشکیل می‌دهند. اختلاف بین درصدهای مربوط به مساحت و جمعیت کل کردستان عراق، یعنی ۱۷ درصد مساحت در برابر ۲۸ درصد جمعیت، ناشی از وجود حصاری غیر مسکون در سرزمین‌های عربی عراق به‌ویژه نواحی جنوب غربی فرات است. بر اساس سرشماری ۱۹۷۵ تراکم جمعیت در کردستان ۳۹،۴ نفر در کیلومترمربع، ولی در نقاط عرب نشین ۲۲،۲ نفر هست. چهار شهر عمده و مهم کردستان عراق شهرهای کرکوک، اربیل، سلیمانیه و دهوک هستند که در این میان کرکوک به خاطر داشتن حوزه‌های عظیم نفتی مهم‌ترین شهر آن محسوب می‌شود. متفاوت بودن جمعیت این نقطه از کشور عراق با اکثریت جمعیت عرب این کشور دلیل اصلی توجه متفاوت حکومت‌های عراق به این منطقه بوده است. اهمیت جمعیت کرد کردستان عراق برای کشورهای پیرامون آن به‌ویژه ایران، سوریه و ترکیه بدان جهت است که هر کدام از این کشورها دارای جمعیت کرد هستند که ممکن است از تحولات کردستان عراق، تأثیر بپذیرند و نیز اهمیت آن برای کشورهای فرا منطقه‌ای از آن جهت است که می‌توانند با تحریک، تطمیع و یا حمایت از این جمعیت، در معادلات خود با دولت حاکم بر آن یا دیگر دولت‌های منطقه که دارای جمعیت کرد هستند، به‌عنوان اهرمی استفاده نمایند (https://ardeshir58.persianblog.ir/-2018).

۷- مشترکات فرهنگی کردستان عراق و ایران:

سرزمین باستانی ایران، در طول تاریخ شاهد تغییر و تحولاتی بسیاری بوده است. این تغییر و تحولات، در پاره‌ای مواقع موجب شده که بخش‌هایی از سرزمین ایران جدا شود و از قدرت مرکزی فرمان نراند. یکی از این مناطق پر چالش سرزمین کردنشین هست. مناطق کردنشین امروزه بین چهار کشور تقسیم ایران، عراق سوریه و ترکیه تقسیم شده است. مبحث موردنظر ما منطقه کردستان عراق است که برای مدت‌های مدید در قلمرو حکومتی ایران قرار داشته است و با ضعف برخی حکومت‌های ایران، این بخش از سرزمین پهناور ایران، در مرزهای سیاسی جدا شده، ولی عملاً روابط قوی فرهنگی، همچنان پایدار است. کردهای عراق، عمدتاً در بحث‌های زبانی، چنان وابستگی داشته و دارند که می‌توان بدون اغراق این منطقه را بخشی از ذخیره‌گاه فرهنگی ایران قلمداد نمود. پیوستگی فرهنگی که باگذشت نزدیک به دو قرن از ایجاد مرزهای سیاسی، هنوز این روابط با توجه و استنادات باستان‌شناسی و سایر مواد و داده‌های فرهنگی به حدی قوی است که نفی آن، غیرقابل انکار است. کردها از لحاظ فرهنگی و زبانی و طرز پوشش با عرب‌ها متفاوت هستند. کردها ستبر

قامت، خوش‌بین و جنگجو و دارای شخصیت متکی به خود هستند. اجزای فرهنگ کردستان عراق بیشتر سرشت ایرانی دارند و فرهنگ کردستان عراق بیشترین نزدیکی را با فرهنگ ایرانیان دارد (ابالاس، ۱۳۷۷):

۸- روابط جمهوری اسلامی ایران و کردستان عراق

کردستان امروزی

دکتر میر سنجری در رابطه با کردستان امروزی گوید: به علت عدم وجود برآورد دقیق، حدود تقریبی جمعیتی کردستان بزرگ در مساحتی حدود ۱۹۰ هزار کیلومتر مربع بیش از ۲۵۰۰۰۰۰۰ تخمین زده می‌شود که ۵ تا ۷ میلیون تن از آن‌ها در ایران زندگی می‌کنند. محدوده زیست اکثریت جمعیت کردهای آریایی تبار از حدفاصل مهاباد و سنندج آغاز می‌شود تا کرمانشاه و بخش‌هایی از ایلام امتداد یافته و از سوی دیگر تا کرکوک، سلیمانیه، اربیل (هولر)، دهوک، زاخو، آمد (دیاربکر) بدلیس (بیتلیس) تا قاملی سوریه را دربر می‌گیرد. (میر سنجری، ۴ شهریور ۱۳۸۹: تابناک کد خبر ۱۱۶۶۰۴)

۸-۱- استقلال کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران

کردستان عراق در راه رسیدن به استقلال از دیرباز تلاش‌های زیادی نموده است. در این راه کشورهای همسایه و دول قدرتمند نقش‌های مختلفی ایفا می‌کردند. برای شناخت تفکر جمهوری اسلامی ایران نسبت به استقلال عراق نخست به معرفی حامیان استقلال کردستان عراق می‌پردازیم. در حال حاضر مؤثرترین و اصلی‌ترین حامی خارجی استقلال اقلیم را می‌توان رژیم صهیونیستی دانست. استقلال اقلیم کردستان می‌تواند منافع مشترکی را برای رژیم صهیونیستی و اقلیم داشته باشد. حضور رژیم صهیونیستی در کردستان عراق می‌تواند برگ برنده‌ای برای کردها در برابر قدرت‌های منطقه‌ای محسوب شود تا به نوعی کشورهای منطقه‌ای چون سوریه، ایران و سایر دولت‌های عرب و حتی ترکیه را تحت شعاع قرار دهد. رژیم صهیونیستی می‌تواند ضمن تأثیرگذاری بر آمریکا در خصوص استقلال اقلیم، زمینه سرمایه‌گذاری اقتصادی، کشاورزی و خدماتی را فراهم و افزون بر تقویت توان نظامی و دفاعی، ساختار اقتصادی اقلیم را بهبود بخشد. همچنین در صورت استقلال اقلیم، رژیم صهیونیستی از منافع زیادی برخوردار خواهد بود که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ایجاد نامنی و تضعیف عراق، دستیابی به منابع سرشار نفتی و معدنی و واپایش ایران از طریق حضور در اقلیم کردستان، نامن کردن عقبه کشورهای مخالف رژیم صهیونیستی اشاره کرد. در مجموع استقلال اقلیم نتیجه‌ای برد-برد برای هر دو طرف خواهد داشت و به دلایل مذکور رژیم صهیونیستی از استقلال آن حمایت می‌کند. (شیخ عطار، ۱۳۸۲: ۷۵)

در این بین موانع مختلفی وجود دارد که مانع استقلال کردستان عراق می‌شوند این موانع داخلی و خارجی هستند. موانع مهم داخلی شامل مخالفت سنی‌ها و پیروان شیعه، دولت مرکزی عراق و عامل جغرافیایی می‌باشد؛ اما مهم‌تر از همه قانون اساسی عراق است در قانون اساسی عراق آمده است که عراق را کشوری مستقل و دارای حاکمیت واحد دانسته است. ماده نخست قانون اساسی عراق که در ۵ سپتامبر ۲۰۰۵ تصویب و به تأیید ۷۸ درصد از رأی‌دهندگان رسید، جمهوری عراق را کشوری مستقل دانسته که نظام حکومتی آن جمهوری مجلس محور دموکراتیک و فدرال است. همچنین در ماده ۱۱۴، منطقه کردستان عراق را منطقه‌ای فدرال به رسمیت شناخته؛ اما بر یکپارچگی عراق تأکید نموده است (آشوری، ۱۳۷۸: ۲۶۹)

از موانع خارجی که مخالف استقلال کردستان هستند، می‌توان به دولت آمریکا، ترکیه، سوریه و جمهوری اسلامی ایران اشاره نمود. در اینجا این سؤال مطرح است که آیا استقلال کردستان تأثیری بر تمامیت ارضی ایران می‌گذارد. برای شناخت این تأثیرگذاری یا عدم تأثیرگذاری پنج شاخصه مهم را در نظر می‌گیریم. قدرت نظامی، قدرت سیاسی، قدرت اقتصادی و منابع طبیعی ایران و کردستان عراق را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

وضعیت نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه دارای قدرت قابل توجهی است. نیروی هوایی ایران دارای خلبان‌های ورزیده و صدها فروند هواپیمای عملیاتی است و نیروی زمینی تجهیزات سنگین زیادی از جمله بالگرد، تانک، نفربر، موشک‌های دوربرد مختلف و سایر تجهیزات دیگر در اختیار دارد. نیروی دریایی نیز با ساخت ناوهای جنگی و داشتن تجهیزات جنگی مناسب به یک نیروی راهبردی در

منطقه تبدیل شده است. بر اساس اطلاعات عنوان شده از سوی سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)، ایران هم‌اکنون دارای ۵۴۵ هزار نفر کارکنان فعال نظامی و در رده دوازدهم قدرت‌های نظامی جهان قرار دارد و بودجه نظامی آن در سال ۲۰۱۱ م، ۹ میلیارد و ۱۷۴ میلیون دلار بوده است. نیروی نظامی اقلیم کردستان عراق از نظر تجهیزات پیشرفته و تعداد نیروی نظامی، قابل مقایسه با جمهوری اسامی ایران نیست. نیروهای مسلح حکومت اقلیم کردستان را پیش‌مرگ‌ها تشکیل می‌دهند که به صورت سنتی به این نام شهرت دارند. ساختار نیروهای مسلح و اطلاعاتی امنیتی در کردستان عراق شامل نیروهای حزب اتحادیه میهنی و حزب دموکرات است. نیروهای نظامی حزب اتحادیه میهنی، شامل نیروهای پیشمرگه‌ها نظامی و امنیتی انتظامی آسایش و اطلاعات (زانباری) است. استعداد نیروهای مسلح حزب دموکرات شامل پیشمرگه‌ها نظامی (امنیتی-انتظامی) آسایش و اطلاعات (پاراستن) است. استعداد کل نیروهای مسلح حزب دموکرات کردستان (پارتی) ۹۰,۰۰۰ نفر شامل ۷۰,۰۰۰ نیرو با لباس نظامی و ۲۰,۰۰۰ هزار نیروی احتیاط است. سلاح و تجهیزات هر دو حزب عمدتاً سلاح سبک و نیمه سنگین نظیر دوشکا، توپ ضد هوایی، خمپاره و تعدادی سلاح نیمه سنگین نظیر تانک، نفربر زرهی و انواع توپ‌هاست که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به انواع نفربر زرهی ۱۰۰ دستگاه، توپ‌های ۱۷۵، ۱۰۶، ۱۲۰ میلی‌متری ۲۱۰ عراده، انواع تانک از جمله تانک تی ۵۴ روسی ۱۰۰ دستگاه و خودروهای زرهی و نفربرشی ۵۰ دستگاه را اشاره کرد (نامی و محمد پور، ۱۳۸۷:۵۱۰).

اقلیم کردستان نیروی هوایی و دریایی ندارد و نیروی زمینی آن هم تعداد محدودی تانک، نفربر، انواع توپ و سلاح‌های خمپاره‌انداز در اختیار دارد. مجموع نیروی نظامی اقلیم کردستان در حدود ۱۱۰ هزار نفر است و سلاح‌ها و تجهیزات پیشرفته و بازدارنده در اختیار ندارند (نامی و محمد پور، ۱۳۸۷: ۵۱۰). از جمله نقاط ضعف نیروهای نظامی اقلیم می‌توان به نبود همبستگی و اتحاد بین نیروهای اتحادیه میهنی و دموکرات، مجهز نبودن به سلاح‌های سنگین و دوربرد، نداشتن پدافند هوایی و کمبود سلاح و مهمات اشاره کرد و از جمله مهم‌ترین نقاط قوت آن‌ها نیز می‌توان به حس جنگجویی و رشادت در پیش‌مرگ‌ها، آشنایی به جنگ‌های چریکی، پیشینه طولانی در مبارزه با دولت‌های قبل و تعداد نفرت قابل توجه اشاره نمود؛ که به هیچ‌وجه قابل مقایسه با قدرت نظامی جمهوری اسلامی نیست؛ از این رو از بعد نظامی تأثیری بر امنیت ملی ایران ندارد (همان: ۵۱۱).

قدرت سیاسی یک کشور شاخصه مهم ماندگاری ارکان یک دولت و کشور در عرصه بین‌المللی است در صورت فقدان قدرت سیاسی نمی‌توان به دوامیک حکومت چشم امید داشت. قدرت سیاسی هر کشور نخست از عامل مشروعیت آن برمی‌خیزد. مشروعیت سیاسی یک حکومت به واسطه‌ی نقش مردم همراه با نقش دولتمردان جان می‌گیرد. وجود قوای مقننه، قضائیه و مجریه مستقل و کارآمد می‌تواند اعتماد مردم به حکومت‌ها را افزایش داده و مشروعیت ایجاد نماید؛ همچنین مؤلفه‌های دیگری از جمله انتخابات و میزان مشارکت مردم، میزان خشونت‌های سیاسی، ناتوانی دولت در برآورده کردن نیازهای مردم، حقوق اقلیت‌ها و ... بر مشروعیت دولت‌ها تأثیرگذار هستند. در کشور جمهوری اسامی ایران و اقلیم کردستان نیز مشروعیت از مؤلفه‌های توضیح داده شده تأثیرپذیر است. انتخابات در جمهوری اسامی ایران در سطوح مختلف برگزار می‌شود و همه قوا برای مستقیم‌یا غیرمستقیم مردم تعیین می‌شوند. قوه مجریه و مقننه توسط مردم انتخاب شده و قوه قضائیه توسط رهبر ایران که خود توسط مجلس خبرگان رهبری انتخاب می‌گردد، تعیین و معرفی می‌شود. در کل انتخابات نیز میزان مشارکت مردم همیشه بالای ۵۰ درصد بوده است. حکومت منطقه‌ای کردستان عراق دارای سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه است (ماده ۳۹). قوه مجریه کردستان عراق از رهبر اقلیم و انجمن وزیران تشکیل شده است. رهبر اقلیم که از طریق همه‌پرسی مردم انتخاب می‌شود، از اختیارات بالایی برخوردار است و افزون بر ریاست قوه مجریه، فرمانده کل قوا و هماهنگ‌کننده اختیارات اقلیم و دولت مرکزی است. انجمن وزیران از نخست‌وزیر، جانشین او و وزیران تشکیل شده است (حافظ نیا و قربانی نژاد، ۲۰۰۷:۱۳۸۹). رئیس اقلیم در حال حاضر (۱۳۹۸ شمسی) مسعود بارزانی، نخست‌وزیر نیچروان بارزانی و پایتخت اقلیم در اربیل است. مجلس کردستان ۱۱۱ نفر است که برای مستقیم مردم برای چهار سال انتخاب می‌شوند و میزان ۳۰ درصد اعضای مجلس برای زنان تعیین شده است (محمدی و خالدی، ۱۳۸۹: ۱۲۸). قوه قضائیه کردستان عراق متشکل از شورای قضایی، دادگاه تجدیدنظر، شورای قضایی نظارت و دادگاه‌هاست که به طور مستقل از سایر قوا عملکرد و رئیس آن به طور مستقیم از طرف رهبر اقلیم کردستان انتخاب می‌شود (عونی، ۲۰۰۷: ۲۴). در اقلیم کردستان تاریخچه انتخابات به سال ۱۹۹۲ برمی‌گردد. تاکنون چهار دوره انتخابات در اقلیم برگزار شده و آمار مشارکت مردم در هیچ دوره‌ای پایین‌تر از ۷۰ درصد نبوده است. (محمدی و خالدی، ۱۳۸۹: ۱۲۷ - ۱۲۱) همچنین اقلیت‌ها در هر دو کشور دارای نماینده مستقل در مجلس هستند و در فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی خود آزاد هستند. آنچه در رابطه با

مقایسه برخی مؤلفه‌های مشروعیت سیاسی در اقلیم کردستان و ایران می‌توان جمع‌بندی کرد، این است که مشروعیت سیاسی در اقلیم کردستان تأثیری بر امنیت ملی ایران ندارد.

بخش عمده درآمد اقتصادی کشور جمهوری اسلامی ایران از نفت و گاز تأمین می‌شود. تا سال ۲۰۱۱ م ایران دارای ۱۳۷ میلیارد بشکه ذخایر نفت و ۱۰۴ تریلیون فوت مکعب گاز است؛ ولی به دلیل کمبود سرمایه‌گذاری خارجی در استخراج نفت و گاز، توسعه لازم در این زمینه صورت نگرفته است (یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۰۶). مشکلات اقتصادی که در نتیجه ترکیبی از واپایش قیمت‌ها و یارانه‌ها به‌ویژه در بحث مواد غذایی و انرژی است، باعث سنگینی اقتصاد شده و موانع زیادی، سبب تضعیف رشد بخش خصوصی در ایران شده است. برابر اعلام مرکز آمار ایران نرخ بیکاری در ۷ استان کشور تک‌رقمی و در ۲۳ استان دیگر دورقمی بوده است. رشد فرصت‌های شغلی و تعداد کل شاغلان در استان‌های کشور مناسب نبوده و به‌طور مثال در استان کردستان تعداد کل شاغلان در سال ۱۳۸۸، ۴۳۱،۰۴۳ نفر و در سال ۱۳۹۱، ۴۲۹،۲۷۳ نفر و در استان کرمانشاه تعداد شاغلان در سال ۱۳۸۸، ۵۴۸،۶۹۸ نفر و در سال ۱۳۹۱، ۵۹۰،۶۶۷ نفر اعلام شده است که با توجه به رشد جمعیت در این استان‌ها فرصت‌های شغلی کافی ایجاد نشده است همچنین درآمد سرانه استان کردستان ایران در رده ۲۷ استان‌ها قرار دارد (روزنامه آفرینش، ۱۳۹۲ / ۵ / ۶) در اقلیم کردستان عراق ۴۵ میلیارد بشکه نفت خام وجود دارد (یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۰۳) در سال‌های اخیر مسئولان اقلیم با افزایش ارتباط با کشورهای همجوار ترکیه، رژیم صهیونیستی، آمریکا و ... قراردادهای نفتی زیادی منعقد و شرکت‌های نفتی متعددی را مانند اکسون موبیل آمریکا، جنرال انرژی ترکیه، گلف کیستون و آنگو از انگلیس را به اقلیم آورده‌اند. در حال حاضر بیش از ۵۰ شرکت نفتی از ۱۹ کشور مختلف در این منطقه فعال و در نظر دارند ظرفیت تولید روزانه نفت خود را تا سال ۲۰۱۹ م به دو میلیون بشکه در روز برسانند (خبرگزاری کردپرس، ۱۳۹۲ / ۴ / ۶). با توجه به همسایگی اقلیم کردستان با مناطق کردنشین ایران، توسعه اقتصادی در اقلیم و از سوی دیگر فقر و محرومیت در استان‌های کردنشین ایران سبب تأثیرگذاری منفی بر امنیت ملی ایران به‌ویژه در مناطق کردنشین خواهد شد.

از جمله منابع طبیعی حیاتی در هر کشوری منابع آبی، جنگل‌ها و منابع نفتی است که کمبود آن‌ها در امنیت ملی کشور تأثیر منفی می‌گذارد. از جمله مهم‌ترین عوامل حیاتی آب است که برای توسعه کشاورزی و حیات کشور اهمیت زیادی دارد. میانگین بارش سالانه ایران ۲۴۰ میلی‌متر است که ارزش‌های حیاتی مناسبی را به همراه دارد. در قسمت شمال کشور، دریای خزر و در قسمت جنوب، خلیج فارس از جمله منابع آبی مناسبی هستند که ضمن وجود منابع نفت و گاز فراوان و ایجاد فرصت حمل‌ونقل دریایی، سبب توسعه شیلات در این دو منطقه شده است (بانک مطالعات منابع طبیعی، ۱۳۹۱: ۱۵) جنگل‌ها در ایران نیز از جمله مهم‌ترین ثروت‌های طبیعی ایران هستند که وسعت زیادی را به‌خصوص در قسمت‌های شمال کشور در بر گرفته‌اند. در اقلیم کردستان نیز به لحاظ نوع آب‌وهوا زمین‌های حاصلخیز و جنگل‌های مناسبی وجود دارد و بارش باران و برف به دلیل کوهستانی بودن اغلب مناطق می‌بارد اما کار ذخیره‌سازی آب به‌خوبی صورت نگرفته است. طبق آمار محیط‌زیست اربیل، بارش باران در اقلیم تا قبل از سال ۱۹۸۲ بین ۴۵۰ تا ۶۵۰ میلی‌متر مکعب و در سال ۲۰۱۱ بین ۱۵۰ تا ۴۵۰ میلی‌متر مکعب شده است (مرادی، ۱۳۹۲: ۵۱) مقدار قابل‌توجهی از آب اقلیم کردستان از کشورهای همسایه مانند ایران (آب رودخانه‌های سیروان و زاب) و ترکیه (آب رودخانه‌های دجله و فرات) تأمین شده و این وابستگی می‌تواند مشکلاتی را برای اقلیم ایجاد کند. در خصوص منابع نفتی ایران و اقلیم نیز همان‌گونه که در بخش‌های قبل توضیح داده شد، هر دو از منابع خوبی برخوردار هستند. در مجموع در رابطه با منابع طبیعی حیاتی در ایران و اقلیم می‌توان عنوان نمود که هر دو دارای منابع طبیعی حیاتی مناسبی هستند و اقلیم کردستان تأثیری از این طریق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نخواهد داشت و حتی در خصوص تأمین آب به جمهوری اسلامی ایران وابستگی نیز دارد. در مجموع بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر امنیت ملی ایران با استفاده از الگوی لی‌جی‌مارتین مشخص شد که تنها در رابطه با توانمندی اقتصادی، اقلیم می‌تواند تأثیرگذاری منفی بر امنیت ملی ایران داشته باشد گرچه کردستان عراق در این زمینه نیز نمی‌تواند بر ایران برتری داشته باشد اما وجود نفت و گاز خود عاملی مهم برای پیشبرد اهداف این نقطه از جهان است. در کشور عراق ۱۱۵ میلیارد بشکه ذخایر اثبات‌شده نفت وجود دارد که ۴۵ میلیارد بشکه آن در اقلیم کردستان است (یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۰۶) امروزه ذخایر نفت و گاز افزون بر جنبه اقتصادی از نظر سیاسی نیز تأثیرگذار است. وجود ذخایر نفت و گاز در اقلیم کردستان می‌تواند سبب رونق تجاری و توسعه اقتصادی این منطقه شود و با درآمدهای حاصل از آن، سبب تأمین زیرساخت‌های اقتصادی شده تا وابستگی به دولت مرکزی عراق برای تأمین مخارج خود را کاهش دهند و گام‌های اولیه برای استقلال اقلیم برداشته شود.

۸-۲- تأثیر استقلال‌خواهی کردستان عراق بر امنیت ایران

حرف ظهور تهدیدهای جدید امنیتی و به چالش کشیدن امنیت اجتماعی در جهان به معنای گسترش یافتن مفهوم امنیت در مطالعات مربوط به این رشته بوده و این شرایط جدید موجب شده تا در کنار مفهوم امنیت سنتی که صرفاً تهدیدات عینی و سخت را به‌عنوان تهدید می‌شناختند، مفاهیم دیگری تعریف گردند که برداشتی گسترده از تهدید را به همراه دارند که از جمله آن می‌توان به مفهوم "مکتب کپنهاگ" اشاره نمود که با بازتعریف تهدیدات، تعریف گسترده و پیچیده‌تری از آن ارائه کرده است (باری، ۱۳۷۹: ۱۰).

در حقیقت تهدید همیشه توپ و تانک و موشک نیست بلکه یک نوع تهدید وجود دارد که از دل فرهنگ و زبان و هویت انسان‌ها برمی‌خیزد. زمانی این موارد تهدید می‌شوند که عده‌ای پایبند اصول و رسوم زندگی خود باشند و سعی کنند برای آنکه خود را در جهان یگانه معرفی کنند و بر اصالت و هویت خویش تأکید ورزند دست به فعالیت‌های استقلال‌طلبانه بزنند.

پیروان مکتب کپنهاگ بر این اعتقاد هستند که بنیان امنیت همیشه بر پایه ارجاع عینی نیست بلکه ارتباطات انسانی و نقش هنجارها، قابل توجه و تأثیرگذار است و زبان، تاریخ، فرهنگ، نژاد و مرزهای سیاسی در تعیین هویت و سپس امنیت بسیار مهم هستند (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۲). به این معنا که با چندبعدی شدن موضوعات امنیتی که به نظر می‌رسد ایجاد آن در کثرت نگرانی‌های امنیتی افراد و گروه‌ها باشد، تهدیدات جدیدی در جهان بروز کرده است که دیگر در تعریف سنتی امنیت نمی‌گنجد که عمده این موضوعات مباحث قومیتی و هویتی می‌باشد و می‌تواند چالش‌هایی در کشورهای چند قومیتی و چند فرهنگی ایجاد کند. به‌رغم اهتمام این نظریه در بررسی زوایای مدرن تهدیدات، این مکتب اهمیت تهدیدات سنتی را به کناری نمی‌نهد بلکه تهدیدات جدید را در ذیل این نگرانی‌ها قرار می‌دهد و در بیان تهدیدات از نگرانی‌های سنتی مانند تحرکات نظامی و در پی آن از تهدیدات دیگری همچون تهدیدات سیاسی، اجتماعی، بی‌ثباتی اقتصادی و آلودگی زیست‌محیطی سخن می‌راند که شیوه عمل آن‌ها به مشخص بودن هویت، قریب‌الوقوع بودن، شدت احتمال وقوع عواقب اجتماعی و پیشینه تاریخی مربوط می‌شود، به عبارتی اگر تهدید خاصی (مثلاً اجتماعی) هویت مشخصی باشد (مثلاً قومی) باشد و زمان وقوع آن با توجه به داده‌های موجود نزدیک و ضرورت وقوع آن شدید بوده و از زمینه و سابقه تاریخی برخوردار باشد، امنیتی قلمداد می‌شود (نصری، ۱۳۸۱: ۱۴۲) با این همه در چارچوب مکتب کپنهاگ به سه دلیل اساسی دولت به‌عنوان مرجع امنیت می‌باشد: اول این دولت است که باید بر مسائل بین‌المللی، دولتی و نیمه‌دولتی فائق آید. دوم آن‌که دولت‌ها اولین عامل در کاهش عدم امنیت می‌باشند و دلیل آخر آن‌که دولت بازیگر مطرح نظام بین‌الملل است. (عبدالله خانی، ۱۳۸۲: ۱۳۸)

بنابراین امنیتی دیدن حقوق قومیت‌ها نیز به همین معنا به‌کاربرده می‌شود، یعنی اینکه حقوق قومیت‌ها به‌عنوان تهدیدی وجودی در نظر گرفته می‌شود به‌این ترتیب حوزه کارآمدی و مسئولیت‌پذیری دولت در برابر آن کاهش یافته و مذاکره و انعطاف‌پذیری در برابر قومیت‌ها از دست‌رفته، انکار و یا سرکوب می‌شوند (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۸: ۱۰۷) علاوه بر آن موضوعی که به‌عنوان یک موضوع امنیتی مطرح می‌شود باید مرز هنجارها، قواعد، مقررات و قوانین مربوط به کشور موردنظر را نادیده گرفته و از آن‌ها تخطی گردد بر این اساس، قومیت‌های غیر غالب در ایران مانند کرد، بلوچ، آذری به دلیل هویت قومی و زبان و گویش‌های خاص می‌تواند به‌عنوان معضلی امنیتی در برابر تمامیت قومی-زبانی اکثریت، مطرح شود و به دلایلی از جمله تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی این معضل تشدید یابد.

رشد قومیت با تأثر از درک و تجربه مشترک از محرومیت مادی، شرایط نامطلوب زندگی و به حاشیه رانده شدن‌ها است. توجه به این نکته ضروری است که قومیت امری انفعالی است که گروه‌های قومی جهت دفاع از هویت و بقای گروه خویش بدان روی می‌آورند و علاوه بر آن هویت قومی زیرمجموعه‌ای از هویت ملی است و امکان تبدیل به هویت‌هایی فراقومی چون دولت-ملت‌ها امپراتوری‌ها و واحدهای بزرگ دینی را دارد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۲-۲۱) پیوندها و ارتباطات فراملی باعث بیداری و خودآگاهی فرهنگی می‌شود و این موضوع می‌تواند باعث شکل‌گیری جنبش‌های مقاومت فرهنگی در بین گروه‌های فرهنگی به حاشیه رانده‌شده شود، هرچند نمی‌توان منکر تأثیر مثبت ارتباطات بر ایجاد و تقویت وحدت ملی نیز شد (فکوهی و آموسی، ۱۳۸۸: ۵۳)

بنا بر آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که نظریه کپنهاگ به خاطر تمرکز بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی تبیین مناسبی از چالش‌های امنیتی بین قوم کرد و کشورهای پیرامون آن از جمله ایران ارائه می‌کند. به‌عنوان نمونه بر اساس مقوله هویت تاریخی، کردها برای خود در مقایسه با سایر اقوام و نژادهای ساکن در منطقه عراق و ایران ریشه و تباری کهن‌تر و اصیل‌تر قائل هستند و خود را مادر سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌های این منطقه می‌خوانند. همچنین ژئوپولیتیک منطقه کردستان مانند قرار گرفتن بر سر راه ارتباطی کشورهای منطقه

و دو قاره اروپا و آسیا می‌تواند مستمسکی برای مطالبات تجزیه‌طلبانه قرار گیرد. عامل فوق‌العاده تعیین‌کننده در این زمینه اهمیت اقتصادی منطقه کردستان می‌باشد. مهم‌ترین منابع نفتی عراق موجود در این محدوده، منزلت بسیار ویژه‌ای به آن داده است. همچنین شرایط اقلیمی مناسب و مستعد برای تهیه محصولات استراتژیک کشاورزی، درصد بالای اقشار تحصیل‌کرده و نخبه کرد داعیه ناسیونالیسم کردی را بسیار جذاب و پرتطرفدار ساخته است. ابعاد تهدیدزای قومیتی می‌تواند در چارچوب هویت ملی کارساز شود و وابستگی‌های ملی را تقویت کند. در این رابطه برای فهم رابطه بین موضوع هویت هستند لازم است پیشین‌های از «کردها» مطرح‌شده با موضوع موردبحث که قومیت کرد و خواست‌های مشترک آنان ذکر شود.

کردها از نظر ساختار فرهنگی دارای باورها، انگاره‌ها، ادبیات، موسیقی، رقص، جشن و... بوده‌اند که آن‌ها را از سایر اقوام متمایز می‌کند؛ اما سیاست‌های دولت‌های خاورمیانه نسبت به هویت اقلیت کردها متفاوت بوده است. ترکیه از زمان کمال آتاتورک هویت کردها را نفی نموده و اساساً آن‌ها را ترک، آن‌هم ترک کوهستان شناخته است. ایران هویت و موجودیت کردها را به رسمیت شناخته ولی آن‌ها را از منظر قومی و نژادی شاخه‌ای از ایرانیان می‌داند که بخشی از ایران را شامل می‌شود. عراق گفته است که ما عرب هستیم و شما کرد و گاهی هر دو عراقی هستیم و ما به‌عنوان بخشی از دنیای عرب خودمختاری شمارا در کلیت تضمین می‌کنیم. سوریه نیز هویت کردها را به‌طورکلی نفی نموده و سیاست عربی زه کردن سرزمین آن‌ها را اجرا کرده است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۵)

خواست‌های دیرینه قوم کرد را باید در زیرمجموعه‌های کلی تری همچون آزادی ترویج زبان و فرهنگ کردی، عمران منطوق‌های، رفع تبعیض اقتصادی اجتماعی، داشتن اختیارات و حق مشارکت سیاسی و نظایر آن‌ها قرارداد. عموماً تحت تأثیر عوامل مختلفی همچون موفقیت‌های کردها در ایجاد حکومت خودگردان کردستان عراق، جلب توجه نظام بین‌الملل در مسئله کردها، جهانی‌شدن مسائل کردستان عراق از طریق رسانه‌های عمومی پس از استقرار حکومت خودگردان، حمایت آمریکا و اروپا و نهادهای بین‌المللی از کردها نام برد (همان: ۲۳)

در دوره هفتم ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶، کردهای کردستان ایران با مشارکت گسترده در انتخابات، رخدادی تاریخی را در این منطقه رقم زدند و حدود ۸۵ درصد از مردم پای صندوق‌های رأی حاضر شدند و از کل ۱۶۷/۹۸۵ نفر حائز شرایط حوزه سقر و بانه ۱۲۲/۱۴۴ در نفر انتخابات شرکت کردند و در کل استان کردستان میانگین ۴ / ۷۹ درصد شرکت نمودند و همچنین در انتخابات مجلس ششم این استان رقم ۷۰/۱۸ درصد مشارکت را برای خود به ثبت رساند؛ اما رفته‌رفته و با تأثیرپذیری از برخی مسائل داخلی و خارجی این مشارکت کم‌رنگ‌تر گشته و رقم مشارکت را به ورطه سقوط کشاندند و در هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری رقم ۵۳/۴۵ درصد در این استان به ثبت رسید و با نزول در شرکت در انتخابات مجلس هفتم رقم ۳۲/۲۶ درصد را منظور کردند.

در انتخابات ریاست جمهوری نهم که طی دو دوره برگزار شد، در دور اول رقم ۳۷/۳۷ درصد و در دور دوم رقم ۲۴/۶ درصد کردهای کشورمان در استان کردستان را به ثبت رساندند. ۲۵/۵ درصد کاهش مشارکت مردم استان از انتخابات هفتم با هشتم ریاست جمهوری و استمرار سیر نزولی مشارکت سیاسی در مرحله نخست نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و ۴۱/۶۷ درصدی کاهش از انتخابات هفتم تا نهم معانی ویژه‌ای دارد (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۰۴-۱۰۰)

این آمار گویای آن است که تحولات داخلی و خارجی می‌تواند گرایش‌ها سیاسی هم‌وطنان را تحت تأثیر قرار دهد. لذا انتخاب رئیس‌جمهور کرد در کشور عراق و تشکیل حکومت خودگردان کردستان عراق و عطف نظر از درون به بیرون را باید از عوامل خارجی تضعیف انگیزه مشارکت سیاسی دانست. نتیجه اینکه ایجاد و تثبیت خودمختاری کردهای عراق در جوار شهرها و بخش‌های غرب کشور با توجه به ساختار قومی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی چالش‌هایی را برای ایران در پی خواهد داشت. در این وضعیت افراد معارض با استفاده از ایدئولوژی و پیوند دادن کردهای مخالف به دنبال یکپارچه‌سازی و در نتیجه اقدام جمعی علیه دولت مرکزی ایران می‌باشند و گروهک پژاک در تلاش است تا با تعامل با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی و با استفاده از قدرت نرم، دولت مرکزی را نه با خود بلکه با مردم درگیر نماید.

اصلی‌ترین راهکار برای مقابله با تهدیدات ناشی از خودمختاری و استقلال احتمالی اقلیم کردستان، ارتقای کیفیت زندگی از طریق توسعه اقتصادی، فرهنگی و همچنین مشارکت بیشتر مردم مناطق کردنشین در مسئولیت‌های اجرایی است. بهبود شرایط اقتصادی در این مناطق و استفاده از کردها در ساختار حکومتی سبب همگرایی بیشتر مردم کرد با دولت مرکزی و مشروعیت بخشی بیشتر به وجهه نظام در این مناطق می‌شود. با توجه بیشتر به مناطق کردنشین و ایجاد فرصت‌های اقتصادی می‌توان شرایطی را فراهم کرد که پیوستن

مردم کردنشین ایران به کردستان عراق از نظر رفاه اقتصادی و جایگاه اجتماعی برای آن‌ها شرایط بهتری را ایجاد نکرد و در این صورت شرایط فعلی و هویت ایرانی را به پیوستن به سایر کشورها ترجیح می‌دهند تاکنون فرضیه‌های تحقیق از طریق بررسی‌های انجام شده از طریق منابع، اسناد کتابخانه‌ای، پرسش‌نامه‌های تهیه شده و گفت‌وگوهای صورت گرفته با صاحب‌نظران مسائل کردی، اثبات شده است. در خصوص فرضیه‌های فرعی در مباحث قبلی نقش مؤثر کردها در ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری‌های دولت عراق تشریح گردید و مشخص شد که در حال حاضر افراد زیادی از نخبگان کردی در مسئولیت‌های مهم دولتی قرار دارند و در ساختار سیاسی دولت عراق تأثیرگذار هستند؛ به‌عنوان نمونه انتخاب جلال طالبانی به‌عنوان رئیس‌جمهوری عراق، انتخاب شش وزیر کرد در کابینه عراق، ۲۴ کرسی از نمایندگان کرد در مجلس را می‌توان نام برد. همچنین امکانات و توانمندی‌های اقلیم کردستان عراق و منابع داخلی و خارجی آن به‌صورت کامل توضیح داده شد و خط‌مشی‌های کشورهای تأثیرگذار منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در حرکت اقلیم به‌سوی استقلال مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از نظریه لی جی مارتین، تأثیرگذاری استقلال اقلیم بر هر یک از مؤلفه‌های پنج‌گانه امنیت ملی ایران مورد بررسی قرار گرفت. در مجموع نتایج به‌دست‌آمده از تحقیقات صورت گرفته و برآیند مصاحبه‌های انجام شده و سؤالات مطرح شده با صاحب‌نظران محرز گردید که وجود حس ناسیونالیستی کردها و انگیزه نخبگان و فعالان سیاسی و نیز علایق راهبردی برخی از رقبای منطقه‌ای ایران از منابع اصلی برای حرکت استقلال خواهانه اقلیم کردستان است که تحقق چنین امری با منافع جمهوری اسلامی ایران تعارض دارد و می‌تواند بر مناطق کردنشین ایران تأثیر منفی داشته باشد. همچنین حصر ژئوپولیتیک و آسیب‌پذیری طبیعی اقلیم کردستان از جمله: نداشتن راه ارتباط دریایی و قرار گرفتن در بین کشورهای دارای اقلیت کرد در کنار مخالفت قدرت‌های نافذ منطقه‌ای مانند ترکیه و ایران مانع استقلال کامل اقلیم کردستان شده و این موضوع با امنیت جمهوری اسلامی ایران هم‌سویی دارد. (همان: ۱۰۷-۱۰۵)

۸-۳- مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال مسائل اختلافی کردها با یکدیگر:

موضع رسمی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از: رویکرد منطقی و روابط متوازن با همه احزاب کردی از جمله دو حزب بزرگ اقلیم. به همین دلیل ایران در امور داخلی کردهای اقلیم کردستان عراق دخالت نمی‌کند و در نتیجه به توافقات فی‌مابین آن‌ها احترام می‌گذارد. در مسئله ریاست اقلیم ملاک نتایج انتخابات پارلمانی اقلیم است، لذا ایران حزب حاکم را به رسمیت می‌شناسد. در بحث ریاست جمهوری از آن جهت که مربوط به کلیت عراق می‌شود، مناسبات جمهوری اسلامی فراتر از اقلیم و در چهارچوب حکومت مرکزی تعریف می‌شود. لذا رأی پارلمان عراق در انتخابات رئیس‌جمهوری برای ایران قابل احترام است. البته در شرایط فعلی هرچند ایران با دو حزب بزرگ اقلیم روابط حسنه‌ای دارد، اما به دلیل برخی مسائل از جمله همه‌پرسی استقلال، در مقطعی روابط با حزب دموکرات دچار نوعی تنش شده و در مقابل، اتحادیه میهنی به ایران نزدیک‌تر شد. به همین دلیل محافل داخلی عراق، ریاست جمهوری بر هم صالح را به‌مثابه پیروزی جمهوری اسلامی ایران قلمداد کردند. مخالفت ایران با همه‌پرسی استقلال، یک موضع رسمی و حاکی از نگرانی ایران از تجزیه عراق بود. رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با حیدر العبادی نخست‌وزیر وقت عراق در ۳۱ خرداد ۹۶ تأکید کردند جمهوری اسلامی از تمامیت و وحدت عراق حمایت می‌کند. ایشان تأکید کردند جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان همسایه، با برخی ززمه‌ها مبنی بر برگزاری همه‌پرسی برای جدایی یک بخش از عراق مخالف است و دامن زندگان به این موضوع را مخالفان استقلال و هویت عراق می‌داند. (میرسنجری، ۱۳۸۲: ۵)

۸-۴- بایسته‌های رفتاری ایران در قبال مسائل داخلی کردهای عراق:

مناسبات ایران با کردهای اقلیم کردستان مستحکم و ریشه‌دار است. جدا از اشتراکات دیرینه تاریخی و فرهنگی که آثار آن در برخی اسطوره‌ها و آئین‌ها (مانند نوروز) همچنان استوار باقی‌مانده است، حکومت‌های معاصر ایران از دیرباز ارتباط خوبی با کردهای عراق داشته‌اند. پس از انقلاب نیز ارتباط با دو حزب مهم کردی تداوم یافته است. در جنگ ایران و عراق نیز کردهای معارض صدام همکاری‌های وسیعی با ایران داشتند. این ارتباط حسنه به‌خصوص با جریان طالبانی تا هم‌اکنون نیز ادامه داشته است. در دهه نود

میلادی وقتی دو جریان کردی به مبارزه با یکدیگر مشغول بودند نیز ایران به میانجی‌گری بین آن‌ها پرداخت (بی‌بی‌سی فارسی، ۲۵ مهر ۱۳۹۶).

سیاست ایران همواره دارای دوپایه تعامل در قبال مسائل کردی بوده است. نخست این‌که ایران دوست مردم کُرد بوده و خواهان تحقق منافع آن‌ها در چارچوب سرزمین‌هایی است که در آن‌ها زندگی می‌کنند. اصل دوم این است که سیاست ثابت ایران عدم‌تغییر مرزها، حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشورهای منطقه بوده و هست. جمهوری اسلامی بر این باور است که مسیرهای به‌سوی تجزیه و نقض حاکمیت ملی هیچ منفعتی برای هیچ‌کس نخواهد داشت، جز بیگانگان که به دنبال افزایش تناقض‌ها و اختلافات در سطح منطقه و درون کشورهای غرب آسیا هستند (سایت فراتاب، ۱۳ آبان ۱۳۹۶).

در چهارچوب روابط حسنه با اقلیم بود که در حمله داعش به کردستان عراق، ایران به‌عنوان نخستین کشور به کردها کمک کرد. صرف‌نظر از همکاری‌های امنیتی، مناسبات تجاری ایران با کردستان عراق هم در سطح بالایی قرار دارد و تجارت سالانه ایران با اقلیم حدود ۸ میلیارد دلار است (اندیشکده تبیین، ۲۲ شهریور ۱۳۹۶)؛ اما درجایی که مربوط به اختلافات داخلی کردها می‌شود، جمهوری اسلامی با توجه به مناسبات خوبی که با همه احزاب، خصوصاً دو حزب دموکرات و اتحادیه میهنی دارد، معمولاً سعی می‌کند به میانجی‌گری بین آن‌ها بپردازد. (میرسنجری، ۱۳۹۱: کد خبر ۱۶۱۲)

این در حالی است که ایران علاوه بر میانجی‌گری بین کردها، به میانجی‌گری میان دولت مرکزی و اقلیم نیز می‌پردازد. برای نمونه شهر نفت‌خیز کرکوک که در پی عقب‌نشینی داعش تحت کنترل نیروهای کرد درآمده بود، بیش از هر منطقه دیگری محل نزاع کردها با دولت مرکزی عراق بود. برای حل این معضل، جمهوری اسلامی ایران و نیز ترکیه وارد رایزنی‌های دیپلماتیک و وساطت میان بغداد و اربیل شدند. در این حال، دولت عراق در نهایت راهکار نظامی خود را پیش برده و در زمانی کمتر از آنچه پیش‌بینی می‌شد بار دیگر کنترل شهر مهم کرکوک را از دست کردها بیرون آورد. سقوط کرکوک که نماد کسب قدرت و ثروت نفتی به دست کردها بود، به‌نوعی نماد افول استقلال‌طلبی آن‌ها حداقل برای مدت محدودی هست (پورو نیوز، ۱۸ اکتبر ۲۰۱۷).

در شرایطی که ایران با حسن نیت به دنبال حل اختلافات بود، برخی رسانه‌های مغرض تلاش کردند با متصل کردن حضور حشدالشعبی با سردار قاسم سلیمانی و دولت ایران، مانع از میانجی‌گری ایران شوند؛ اما واقعیت این بود که همان زمان سردار سلیمانی به منظور رایزنی و میانجی‌گری به اربیل سفر کرده و موفق به جلب نظر کردها جهت عقب‌نشینی از کرکوک و جلوگیری از جنگ خونین شده بود. در مجموع باید گفت بایسته‌های رفتاری جمهوری اسلامی ایران در قبال کردها و اختلافات داخلی آن‌ها، برخاسته از نگاهی فراگیر به ثبات و امنیت و منافع دوطرفه و نیز مناسبات و مصالح موجود با بغداد هست. لذا اهتمام جمهوری اسلامی معطوف به حل مشکلات فی‌مابین کردها از یک‌سو و تنش‌زدایی میان آن‌ها و دولت مرکزی، از سوی دیگر است. رویدادهای سال‌های اخیر خصوصاً حوادث پس از همه‌پرسی در سال گذشته این رویکرد مبنایی جمهوری اسلامی را نسبت به کردها به نمایش می‌گذارد.

۸-۵- سیاست خارجی ایران در برابر تحولات مناطق کردنشین

در بُعد داخلی، ملاحظات ناشی از ایستارها و رویکرد نظام جدید به بازنگری نقش و کارکرد ایران در ترتیبات امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای از یک‌سو و رخدادهای پرشتاب و ناامنی‌های مناطق کردنشین ایران در سال‌های نخست پس‌از انقلاب اسلامی ایران از سوی دیگر مؤثر بودند. در بُعد خارجی، باید به رفتار بازیگران رقیب اشاره کرد. (حق پناه، ۱۳۷۸: ۱۴۵) مسئله کرد هم نقطه‌ضعف و آسیب‌پذیری داخلی دولت‌ها و هم فرصت برای تضعیف رقیب با استفاده از واگرایی‌های قومی در کشور رقیب به شمار می‌رود. نگرانی‌های جمهوری اسلامی ایران از ناحیه اقلیم کردستان و تحولات آن عبارت‌اند از ۱: نگرانی در خصوص افزایش نفوذ و تأثیرات کردستان عراق بر مناطق کردنشین ایران و افزایش سطح مطالبات سیاسی کردهای ایران به تبع آن؛ ۲. وجود پایگاه نظامی و مقر و دفاتر سیاسی و احزاب اپوزیسیون مسلح کرد ایرانی در کوهستان‌های قندیل ۳. حضور و نفوذ قدرت‌های رقیب و یا معارض جمهوری اسلامی ایران در اقلیم کردستان از جمله ترکیه، آمریکا و اسرائیل.

فرصت‌های متصور از ناحیه اقلیم کردستان عراق و تحولات آن برای جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از ۱. استقلال کردستان عراق عملاً پایان یک عراق متحد است و تجزیه عراق تهدیدات احتمالی از جانب عراق را برای همیشه تضعیف می‌کند ۲. استقلال کردستان

عراق، توازن جمعیتی و به تبع آن، قدرت را در داخل عراق به نفع شیعیان تغییر می‌دهد. تحکیم قدرت شیعه در عراق هم سو با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران است؛^۳. تقویت محور تهران، اربیل، بغداد در مقابل رژیم‌های سنی منطقه؛^۴. حضور در اقلیم کردستان سبب ایجاد موازنه در مقابل بازیگران رقیب و کاهش تهدید امنیتی از جانب آن‌ها می‌شود.^۵ گسترش هرچه بیشتر روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی با اقلیم کردستان سبب ایجاد همگرایی بیشتر می‌شود. این مسئله با توجه به اشتراکات تاریخی و فرهنگی کردها با سایر گروه‌های قومی ایرانی بیشتر مورد توجه است و از سوی دیگر، این امر سبب جلوگیری از گرایش‌ها واگرایانه کردها در ایران خواهد شد. ایران در حال حاضر دارای سابقه نسبتاً مثبتی با کردستان عراق است. دارای دو کنسولگری در اقلیم بود و از سطح تجارت خوبی با اربیل برخوردار است

تقسیم عراق از دید ایران به اندازه ترکیه زبان‌بار نیست، زیرا منطقه شیعه‌نشین مستقل، بالقوه متحد نزدیک ایران خواهد بود و منطقه کردنشین می‌تواند بالقوه به ایران نزدیک باشد و در ضمن، قدرت رویارویی با ایران را در حال نخواهد داشت (قاسمی، ۱۳۹۸: ۵۵). تجربه یازده سال اخیر حکومت اقلیم کردستان عراق نشان داده است هر میزان این منطقه دارای ثبات سیاسی، مسئولیت‌های رسمی بیشتر حقوقی و سیاسی از منظر قانون اساسی و حقوق بین‌الملل و استقلال رفتاری بیشتر بوده است، به همان میزان در قبال همسایگان مهمش (ایران و ترکیه) مسئولیت‌پذیرتر بوده است. وساطت با ایران و گروه‌های معارض مسلح برای کاستن و قطع نسبی نامنی مسلحانه در مرزهای مشترک، وساطت میان ترکیه و پ.ک.ک برای برقراری صلح، افزایش تبادلات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی میان ایران و کردستان عراق از جمله این موارد است. از سوی دیگر، کردستان عراق جزئی از جغرافیای نوروژ و سرزمین آریایی است.

۹- نتیجه گیری:

در تاریخ کهن ایران زمین، کردستان با توجه به پیشینه غنی تاریخی فرهنگی، بخشی پراهمیت و انکارناپذیر از تاریخ کهن ۸۰۰۰ ساله سرزمین ایران را تشکیل داده است و با تاریخ و فرهنگ ایرانی مشترکات فراوانی دارد پیوستگی نژادی یکی از ارکان اساسی پیوندهای فرهنگی کردها و از جمله کردهای عراق با ایران است. این طایفه مردمی از نژاد آریایی بودند که از شاه ایران اطاعت می‌کردند و آن‌ها را جز سرزمین مادها می‌شناسد زبان، یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل پیوند دهنده افراد و منسجم کننده گروه‌های انسانی در شکل اقوام و ملت‌هاست. زبان، گروه‌هایی از جمعیت بشری را به هم پیوند داده و آن‌ها را از دیگران متمایز می‌سازد، تغییر و تحول فضایی را تسریع می‌نماید و با وجود این، یکی از مقاوم‌ترین و ثابت‌ترین جنبه‌های فرهنگی محسوب می‌شود زبان کردی، عامل مؤثر و مهمی است که به کردها هویت خاصی می‌دهد و از جمله موارد نادری است که کردها در آن تجربه مشترکی دارند زبان کردی، مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین عوامل پیوستگی و وابستگی تاریخی کردها، از جمله کردهای عراق با ایران و فرهنگ و تمدن ایرانی است. بسیاری از آداب و رسوم قدیمی ایرانی در کردستان عراق متداول بوده است. اهالی سلیمانیه، در جشن سده و عید سده و عید نوروز به رسم قدیم ایران آتش می‌افروزند، مراسم سوگواری، عروسی، رسم رقص، ختان و سایر عادات آن‌ها با مردم ایران تفاوتی ندارد؛ نام فرزندان خود را از اسامی پادشاهان و پهلوانان قدیم ایران انتخاب می‌کنند، اکراد آنجا، همه‌ی مفاخر ایران قدیم را به خود نسبت می‌دهند، مثل زردشت، رستم و کی قباد و به رسم ایرانیان در قهوه‌خانه‌ها، شاهنامه‌خوانی می‌کنند؛ با این‌که گروهی از آنان مذهب شیعه ندارند، بنا به رسم سایر ایرانیان روز عاشورا محترم می‌شمارند؛ در آن روز از خوردن حیوان و اصلاح سرو ریش و چیدن ناخن احتراز می‌ورزند از طرفی آثار باستانی متعددی مثل برج مخروبه «پایکولی» از تمدن ایرانی در کردستان عراق یافت شده است که بر پیوند بنیادی این منطقه با حوزه تمدنی و فرهنگی ایران زمین صحنه می‌گذارد.

در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از انقلاب اسلامی دفاع کردند اگرچه، همان‌طور که بیان شد، گاهی نیز به عنوان متحد قدرت‌های دیگر و علیه ایران می‌جنگیدند. از طرف دیگر محیط و شرایط بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی متفاوت، عملکرد سیاست خارجی ایران را در قبال کردهای عراق در دو دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰ متأثر ساخته است، اما با وجود این، هم تفاوت‌هایی در این ارتباط قابل‌درک است و هم اینکه نقاط مشترکی یافت می‌شود. در دهه ۱۹۷۰، سیاست خارجی ایران با برخورداری از حمایت امریکا و موقعیت و منزلت منطقه‌ای مناسب مشترک خود و ابرقدرت حامی، سیاست کمک به کردها را پیش گرفت و سپس با اخذ امتیاز از دولت عراق، مصالحه سیاسی با بغداد را پذیرفت؛ اما در سال‌های ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، هم شرایط و محیط بین‌المللی و هم وضعیت منطقه چندان

مساعده نبود و تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران برای تنش‌زدایی در سطح جهان، علی‌رغم برخی موفقیت‌ها، به‌طور کامل نتوانسته است در عرصه عمل دست‌آورد سیاسی ملموسی در ارتباط با منطقه کسب نماید. البته در دهه گذشته موفقیت‌های ایران در عرصه سیاست خارجی خود در منطقه و مبارزه با گروه‌های تروریستی داعش در عراق بسیار امیدوارکننده بوده و هم‌اکنون ایران یک قدرت تأثیرگذار در منطقه است از این‌رو، شکل‌گیری و رقم خوردن آینده عراق بدون رعایت منافع ایران، یک نگرانی اساسی در میان متصدیان سیاست خارجی در تهران می‌باشد. ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و به‌عنوان کانون ارتباط مناطق خاورمیانه و خلیج‌فارس، آسیای مرکزی و قفقاز و جنوب آسیا، باوجود گشایش محیطی به مدد فروپاشی شوروی و سیاست تنش‌زدایی رهبران جمهوری اسلامی ایران، از ناحیه افغانستان و عراق احساس نگرانی می‌کند. تداوم وضع موجود در مورد این دو کشور چندان مطلوب نیست، اما اگر روند تحولات هدایت‌شده از خارج، آن را به‌سوی وضع نامطلوب‌تری هدایت کند، آنگاه جمهوری اسلامی ایران خود را در محیط امنیتی خطرناک‌تری خواهد یافت. پیوستگی مهم سیاست خارجی ایران در دوره مورد بحث، تأکید بر تمامیت ارضی و یکپارچگی عراق است و ایران حاضر نیست که عراق دچار تجزیه شود، چراکه از نظر دولتمردان تهران، با توجه به نقش بازیگران بین‌المللی دیگر و نیز ناپایداری مرزهای رسمی در منطقه، پیامدهای آن در پرده ابهام قرار دارد.

باید رهبران ایران در نظر داشته باشند رسمیت یافتن حکومت ناحیه‌ای کردستان و در نتیجه، استقرار نظام دموکراتیک در شمال عراق و حضور تأثیرگذار نخبه‌های کردی در دولت مرکزی عراق، موجب احیای ناسیونالیسم کردی در بیشتر مناطق کردنشین منطقه و بروز برخی تهدیدهای نرم برای دولت‌های آن مناطق شده است. وجود تهدیدهای نرم بر پایه قومیت و ناسیونالیسم قومی از جمله تهدیدهایی است کته به‌تازگی در برخی مناطق ایران مشاهده می‌شود اما تهدید هویتی و قومیتی کردها با توجه به جریان خودمختاری کردستان عراق جدید، تأثیری بیشتر برای به چالش کشیدن امنیت ملی ایران داشته است. به دلیل اهتمام اقلیم کردستان در دامن زدن به عواطف و احساسات کردی، این تهدیدهای نرم در غالب تهدیدهای فرهنگی و روانی به لحاظ تحریک عقاید و احساسات قومی از طریق برنامه‌های گسترده فرهنگی و اجتماعی، رسانه‌ای و قومیتی راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای، سایت‌ها، انتشار مجلات و نشریات، سخنرانی‌های مسئولان کردستان، افکار عمومی کردهای منطقه از جمله کردهای ساکن ایران را می‌تواند به خود جلب کند. به نحوی می‌توان گفت که این منطقه (کردستان ایران) را به مرکزی برای طرح مسائل هویتی - قومیتی تبدیل کند و به لحاظ سیاسی عامل تقویت خواست‌هایی نظیر تقویت هویت کردی، ترویج اندیشه فدرالیسم برای کسب اختیاری مشابه آنچه کردهای عراق از آن بهره‌مندند و هم‌چنین ارتقای خواست‌های قومیتی کردها در داخل کشور شود؛ اما آنچه این مسائل را تقویت می‌کند، وجود پیوند عاطفی، ذهنی و فرهنگی در میان کردهای شمال عراق و نواحی کردنشین ایران از سویی و توان قانونی کردهای عراق از سوی دیگر است. بی‌تردید، تهدیدهای نرم اقلیم کردستان به‌تدریج بر خواست آنان برای تحقق کردستان بزرگ خواهد افزود و از آنجاکه تهدید نرم به‌طور نامحسوس بر قلوب افراد حاکم می‌شود، نمی‌توان میزان گرایش افراد را به تشکیل حکومت مستقل تشخیص داد اما از آنجاکه رسانه‌های کردی با تبحری خاص، اهداف مشترک کردی را مدنظر قرار می‌دهند، می‌توان داعیه‌های قومی در نواحی کردنشین ایران را در آینده پیش‌بینی کرد. کسب چنین اختیاری برای کردهای عراق، انتظارهای کردهای ایران را به‌منظور کسب امکانات مشابه بالا می‌برد و به‌طور مسلم، عنوان چنین درخواست‌هایی از سوی کردهای ایران دست‌کم با پشتیبانی کردهای اقلیم کردستان روبرو خواهد شد. در این میان، آنچه در داخل، ضروری به نظر می‌رسد، مدیریت صحیح و به‌دوراز برخورد سخت‌افزارانه و عجولانه است که هر یک از مسائل می‌تواند ابعاد این موضوع را به پیچیدگی دچار کرده، پیامدهای نظیر بروز هرج‌ومرج اجتماعی، کاهش مشارکت مردمی، افزایش انگیزه‌های واگرایان و ایجاد حیره‌های دولت را پی داشته باشد.

۱۰- منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۷۸). *دانشنامه سیاسی*، چاپ شانزدهم، تهران: نشر مروید
- توکلی، تهران: انتشارات توکلی.
- حق پناه، جعفر (۱۳۷۸). *کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۸) *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: سمت، چاپ سوم..
- شیخ عطار، علیرضا (۱۳۸۲). *کردها و قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای*. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۲) *نظریه‌های امنیت*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی معاصر.
- غفاری کاشانی، ابوالحسن (۴۹۵۳). *گلشن مراد*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجمد، تهران: زرین.
- فرامرزی، احمد (۱۳۴۶). *کریم‌خان زند و خلیج فارس*، به کوشش حسن. فرامرزی، تهران: بی نا.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). *تحولات قومی در ایران*؛ علل و زمینه‌ها، تهران: نشر مؤسسه مطالعات ملی.
- نامی، محمد حسن. (۱۳۸۷)، "جغرافیای کشور عراق با تأکید بر مسائل ژئوپولیتیک"، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- وقایع‌نگار کردستانی، علی اکبر (۱۳۶۴). *حدیقه ی ناصریه در جغرافیا و تاریخ کردستان*، به تصحیح: محمد رؤف توکلی، تهران: ارزنگ.
- یوسفی، مهدی (۱۳۸۴). *مجموعه گزارش‌های انجمن ژئوپولیتیک ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
- عبدالله، نه جاتی (۲۰۰۱). *کردستان و کیش سنوری ۱۶۳۹*، هه ولیر: چاپخانه - عوسمانی، فارسی ۱۸۴۷
- ابراهیمی، نبی الله (۱۳۸۶). *تأملی بر میانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ*، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان.
- *استقلال اقلیم کردستان عراق و واکنش‌های احتمالی ج.ا.ایران*، اندیشکده تبیین، ۲۲ شهریور ۱۳۹۶
- *اصول دوستونی دیپلماسی ایران در قبال کردها*، سایت فراتاب، ۱۳ آبان ۱۳۹۶
- *ایران و کردهای عراق*، بی بی سی فارسی، ۲۵ مهر ۱۳۹۶
- بوزان، باری (۱۳۷۹). *گفتگوی علمی: آشنایی با مکتب کپنهاگ در حوزه مطالعات امنیتی*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره سوم، پاییز.
- جویس بلاد. سلیمانی یاسر و یوسفی نورالدین. (۱۳۷۹). "بررسی تاریخی زبان و هویت نژادی در کردستان"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره ۴.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). *تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، مشهد: شماره ۸۳.
- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۴). «*کارویژه ی تحولات سوریه در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۵). *تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸
- عبدی، عبدالله. محمد. رئیس السادات، دارابی (۱۳۹۶). "بررسی تاریخ معاصر کردها در ایران"، فصلنامه جغرافیایی ایران، سال ۱۵، شماره ۵۳.
- *عقب‌نشینی پیشمرگان از کرکوک*، یورو نیوز، ۱۸ اکتبر ۲۰۱۷

- غفاری، مسعود و زرین کاویانی (۱۳۹۰). ز، بررسی روند مشارکت شهروندان استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶، فصلنامه ژئوپلتیک، سال هفتم شماره اول.
- فکوهی، ناصر، آموسی، مجنون (۱۳۸۸). هویت ملی و هویت قومی در کردستان، مطالعه موردی معیشت اقتصادی و تعلق های هویتی نزد جوانان شاغل در اقتصاد غیر رسمی پیران شهر، فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره دوم، بهار و تابستان.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۹). بازیگران مؤثر بر عراق آینده: منافع و سناریوها، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۸۹، شماره اول.
- کردستان عراق بین اختلافات احزاب و چالش های داخلی و خارجی، خبرگزاری ایسنا، ۱۴ مرداد ۱۳۹۷
- مجموعه مقالات. (۱۳۹۵)، "رابطه رژیم صهیونیستی اقلیم کردستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران"، اندیشکده راهبردی تبیین.
- ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۸۸). تبیین منازعات قومی بر اساس تئوری های مداخله نگاهی به تهدیدات نرم امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی - تخصصی عملیات روانی، سال ششم، شماره ۲۳، پاییز
- میر سنجری میرمهرداد (۱۳۸۹). هر جا کرد است آن جا ایران است، ۴ شهریور، سایت تابناک.
- نصری، قدیر (۱۳۸۱). مکتب کینه هاگ: مبانی نظری و موازین عملی، فصلنامه مطالعات دفاعی، زمستان شماره ۱۴۲.

Geopolitical, political, historical and cultural relations of the Islamic Republic of Iran with present-day Iraqi Kurdistan

Undoubtedly, the geopolitical, political, historical and cultural situation of the Islamic Republic of Iran with the current Iraqi Kurdistan in terms of economic, political, cultural and . . . Intertwined in the context of history; In such a way that the fusion between these domains can be seen in the new era. One of the most influential and important regions in the new Iraq is the Kurdistan Autonomous Region, which, in the light of geopolitical realities, has made it necessary to examine the opportunities and challenges it has presented to the Islamic Republic of Iran. The present study states the geopolitical, political, historical and cultural relations of the Islamic Republic of Iran with present-day Iraqi Kurdistan. Opportunities and challenges for c. ۱. Iran should lay the groundwork. The present research is a qualitative method with a descriptive and analytical approach. The results of the study confirm the fact that the geopolitical, political, historical and cultural relations of the Islamic Republic of Iran with present-day Iraqi Kurdistan can be effective in threatening security and securing the interests of both parties.

Keywords: Geopolitical, political, historical, cultural, Islamic Republic of Iran, Iraqi Kurdistan